

## در باره خشونت علیه زن در جامعه و خانواده

خشونت علیه زن، پدیده ای ذاتی مرد یا اجتماعی؟

صفحه ۲

مصاحبه رادیو پرتو با آذر ماجدی

## دعوت به گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن

### سهم زنان در دولت "اعتدال"

سرکوب، ازدواج با کودک، اسید پاشی

صفحه ۵

سیاوش دانشور

### هر سال یک جایزه به حواریون رژیم اسلامی!

صفحه ۸

آذر ماجدی

### اتفاقی زیبا در ترکیه

گرامیداشت اوزگه جان اصلان

فرگس رضائی

### پوشیدن زره توسط یک زن

هنرمند افغان

در اعتراض به اذیت و آزار جنسی

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



## در باره خشونت علیه زن در جامعه و خانواده

### خشونت علیه زن، پدیده ای ذاتی مرد یا اجتماعی؟

مصاحبه رادیو پرتو با آذر ماجدی

(سرمایه داران، بورژوازی) به روش های خشن و قهرآمیز متوسل نشوند، یک روز قادر نخواهند بود این مناسبات نابرابر را حفظ کنند. لذا وجود پلیس، زندان و ارتش ضرورت پیدا می کند. تمام دلیل وجودی این سه پدیده اعمال خشونت است. در اینجا ممکن است این توضیح عنوان شود که کار پلیس اعمال نظم در جامعه است و زندان برای مبری کردن جامعه از دست خلافکاران و جنایتکاران؛ ارتش هم برای حفظ جامعه از گزند دشمنان خارجی است. به این استدلال چه پاسخ می دهیم؟

این استدلالی است که بورژوازی و دولت آن برای توجیه و قابل پذیرش کردن خشونت سازمانیافته در جامعه ارائه می دهند. و اینجاست که نقش ایدئولوژی و نهادهای ایدئولوژیک مطرح می شود. بورژوازی هزینه نسبتاً گزافی (البته بخش کوچکی از سودهای کلانی که از استثمار مزدبگیران عایدش شده است) می پردازد تا ارزشها و نظرات و افکاری در جامعه حاکم شوند که در خدمت حفظ قدرت و ثروتش باشد. رسانه ها، آکادمیا، ادبیات و هنر بکار گرفته می شود تا منافع بورژوازی به منافع کل جامعه بدل شود و دولت بورژوازی به نهادی برای اداره جامعه بنفع کلیه شهروندان و در خدمت منافع شهروندان. در جوامع تحت استبداد درک این مقوله آسانتر است؛ در جوامع تحت دموکراسی ظاهر مسائل پیچیده تر است.

اگر این تبیین از مناسبات اقتصادی و مادی جامعه سرمایه داری و نقش خشونت در آنرا بپذیریم، آنگاه متوجه می شویم که ارکان این نظام باید هر روز بازتولید شود و توسط

نمی توانیم توضیح دهیم. این متد یک متد غیر علمی، سطحی، راحت طلبانه و ناپیگیر است.

پس اگر بپذیریم که خشونت اعمال شده از طرف مرد نسبت به زن یک امر بیولوژیک یا هورمونی نیست، آنگاه باید به آن بعنوان یک پدیده اجتماعی بنگریم و توضیح اجتماعی برای آن بیابیم. باین معنا که خشونت را انسان علی العموم و در این مورد مرد از جامعه می گیرد و آنرا به اشکال مختلف درونی می کند و بعنوان یک روش برخورد با جامعه و انسانهای دور و بر، یک روش بیرونی کردن احساسات، خشم، و استیصال بکار می بندد و بالاخره بعنوان یک رفتار او در می آید. اینجاست که به وجود خشونت در جامعه می رسیم. باید بگوییم که جامعه مدرن اساساً بر خشونت پایه گذاری شده است. یک رکن مهم جامعه سرمایه داری خشونت است. سلب مالکیت از اکثریت جامعه و قرار گرفتن مالکیت وسایل تولید و مبادله در دست یک اقلیت کوچک در اساس اعمال خشونت نسبت به آن اکثریت است. اکثریت جامعه برای امرار معاش و زندگی کردن باید نیروی کار خود را به آن اقلیت بفروشد؛ باین ترتیب مرگ و زندگی این اکثریت به آن اقلیت بستگی دارد. این اقلیت با استثمار نیروی کار مزدبگیران ثروت می اندوزد و قدرت بیشتر کسب می کند؛ اساس این رابطه نامتوازن بر خشونت است.

این انتزاعی ترین سطح مناسبات خشونت آمیز در جامعه سرمایه داری است. در عمل و برای بقای این مناسبات نابرابر و تبعیض آمیز به سطوح ملموس تری از خشونت نیاز است. تئوری و تاریخ بما نشان می دهد که اگر صاحبان وسایل تولید

**لیلا ارغوانی:** خشونت یکی از بروزات ستمکشی زنان است. بعضی خشونت علیه زنان را به زن ستیزی ذاتی و خشن بودن مرد ربط می دهند. شما این را چگونه ارزیابی می کنید؟

**آذر ماجدی:** من با این نظریه مخالفم. به نظر من این تبیین اشتباه و غیر علمی است. درست است که مرد یک عامل مهم خشونت نسبت به زن است، اما اولاً خشونت نسبت به زن فقط به مرد محدود نمی شود و ثانیاً ذاتی دیدن زن ستیزی یا خشونت مرد بر هیچ تئوری علمی استوار نیست. زمانیکه از "ذاتی" صحبت می کنیم باید بتوانیم آنرا با ارجاع به بیولوژی و کارکرد مغز توضیح دهیم. تلاش برای توضیح خشونت مرد با اتکاء به هورمون تستاسترون، تلاشی ناموفق است. بعلاوه، اگر مردان ذاتاً زن ستیز و خشن هستند، پس ما باید کارمان را تعطیل کنیم؛ تنها راهی که باقی می ماند جدا کردن مرد و زن از یکدیگر است. و چنین راه حلی بیشتر به فیلم ساینس فیکشن شباهت دارد.

بنظر من کسانی که زن ستیزی و خشونت را ذاتی جنس مرد می دانند، مسائل اجتماعی را وارونه می بینند و وارونه توضیح می دهند. این مشاهده که برخی از مردان نسبت به زنان خشونت روا می دارند، مساله تجاوز یا آزار جنسی، خشونت مرد نسبت به زن درون خانواده یک مشاهده واقعی است. اما از این مشاهده به این نتیجه رسیدن که مرد ذاتاً خشن و زن ستیز است، روشی سطحی و عامیانه است. با اتکاء به این روش در توضیح تغییرات، تحولات و پیشرفتهایی که در این زمینه طی تاریخ روی داده است، دچار تناقض می شویم. خشونت زنان نسبت به زنان و بعضاً به مردان را

شوند. اصلاحات ارضی همواره با این هدف انجام گرفته است. آزادی سرف، رعیت و برده، نه بمعنای آزادی بشر از تبعیض و تحقیر و فقر، بلکه بمعنای نیروی کار آزاد است. نیروی کاری که آزاد است خود را به هر سرمایه داری که استخدامش می کند، بفروشد. شماری بسیار بیشتر از برده های دیروز اکنون در زندانها نیروی کارشان دارد با تحمیل بیگاری استثمار می شود.

جامعه سرمایه داری بر مبنای خشونت و خون و عرق میلیونها انسان شکل گرفته است. فقط کافی است شما کتاب وضع طبقه کارگر در انگلستان نوشته انگلس را بخوانید تا تصویری از زندگی پر از خشونت طبقه کارگر در مهد عروج سرمایه داری و دموکراسی بدست آورید. خشونتی که بر کارگران زن و مرد و کودک اعمال می شده است. این آغاز دوره صنعتی شدن و سرمایه داری را توضیح می دهد. دنیای امروز از جهاتی و در بخش وسیعی از دنیا از آنها وحشتناک تر است. وجود سی میلیون برده در دنیای امروز، برده های جنسی و کار؛ باصطلاح کارگران آزاد نیز وضعیت چندان بهتری در بخش وسیع جهان ندارند. این خشونت نظام سرمایه داری است. خشونت بخش لایتنجی این نظام است و تا زمانی که بر جهان حکم می راند، خشونت بخش ثابت آن خواهد بود. از هر گوشه نگاه کنیم خشونت را با زمختی کامل مشاهده می کنیم؛ خشونتی که علیه عموم جامعه اعمال می شود، بر بخش وسیع جامعه، طبقه کارگر و قشر محروم و زحمتکش. فقر، تبعیض، بی حقوقی و بی عدالتی وجوه مهمی از خشونت حاکم است.

همانگونه که اشاره کردیم این جامعه تمام بنیادش بر خشونت است. چرا پلیس لازم است؟ چرا زندان لازم است؟ برای حفظ و بقای نظام استثمارگر سرمایه داری و تضمین سودهای کلان و قدرت بورژوازی در جامعه. در چنین جامعه ای خشونت یک جزء از جامعه است. شما نمی توانید اصل جامعه را بر خشونت بگذارید و انتظار داشته باشید که مردم همه با هم در صلح و

## در باره خشونت علیه زن در جامعه و خانواده ...

ایدئولوژی هستند و با آن رشد می کنند؛ در جوامعی این زن ستیزی غلیظ تر و خشن تر است و در جوامعی که سابقه و تاریخ مبارزات وسیع برابری طلبانه دارد، ابعاد آن کمتر است. بعلاوه، شرایط مختلف سیاسی- اجتماعی می تواند بر ابعاد زن ستیزی و خشونت تاثیر بگذارد. شرایط جنگی یک نمونه برجسته این مساله است. به دنیای جنگ زده امروز نگاه کنید! تجاوز و خشونت جنسی علیه دختران، زنان و پسران اکنون به یک بخش لایتنجی دنیای ما بدل شده است.

عروج سرمایه داری با شعار "آزادی و برابری" همراه بود. مهمترین نمونه، فرانسه است. انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ شعار "آزادی، برابری و برادری" بر پرچم خود داشت. بسیاری هنوز در قرن بیست و یک به آن انقلاب و شعارش با حسرت می اندیشند. اما باید توجه داشت که این "آزادی و برابری" مقولاتی کاملا حقوقی بودند و با مفهوم آزادی و برابری نزد ما کاملا متفاوت. آزادی و برابری در زمان انقلاب کبیر فرانسه بمعنای آزادی سرف یا رعیت از زنجیر فئودال یا ارباب معنا داشت. بورژوازی بعنوان طبقه ای که تازه عرض اندام کرده بود، می خواست خود را از بندهای فئودالیسم و اشرافیت سنتی وابسته به زمین خلاص کند تا بتواند نیروی کار لازم برای کارخانه های خود بیابد. برابری نیز مقوله ای کاملا حقوقی بود، کماینکه هنوز بیش از سه قرن پس از این انقلاب مفهوم آزادی و برابری برای بخش عمده جامعه مفهومی حقوقی است.

لغو برده داری در آمریکا نیز با همین هدف و نیت انجام گرفت. برده هایی که به مزارع زنجیر شده بودند باید "آزاد" می شدند تا بتوانند در کارخانه ها استثمار

اعضای جامعه درونی گردد. کودک طبقه کارگر و سرمایه دار هر یک باید جای خود را بشناسند. یک نقش مهم سیستم آموزش و پرورش تربیت کارگران و سرمایه داران نسل بعد است. سیستم کیفری و تنبیه که در آموزش و پرورش نهادینه شده دقیقا بهمین منظور است. بعلاوه، با یک نگاه به قوانین سیستم قضایی متوجه می شویم که بخش عمده قوانین برای مجازات "جرانمی" است که علیه مالکیت انجام گرفته است؛ بخشی از قوانین در مورد وظایف کارگر است؛ بخشی در مورد جرائم مربوط به عدم رعایت قوانین دولتی است؛ بخشی دیگر در مورد خیانت به وطن و میهن و قس علیهذا. این قوانین و سیستم قضایی برای حفظ نهاد "مقدس" مالکیت و حفظ و تحکیم قدرت بورژوازی و دولت آنست. علیرغم تمام هیاهویی که درباره حقوق برابر در جامعه سرمایه داری می شود، این نظام و قوانین آن تبعیض علیه اکثریت عظیم جامعه را در بطن خود دارد. کار باینجا ختم نمی شود. همه می دانند که در دنیای واقعی چگونه بورژوازی، کاربدستان و قدرتمندان همین قوانین "برابر" را با اعمال قدرت و بزور پول بنفع خود خم می کنند.

علاوه بر خشونت صریح پلیس و ارتش و زندان، سرمایه داری با ایجاد و تداوم تبعیض در جامعه بر مبنای جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب و غیره ابعاد خشونت را گسترش می دهد. ایجاد جدایی و تفرقه و بعضا نفرت در میان بخش های مختلف مبنای دیگری برای اعمال خشونت و برخوردهای خشونت آمیز است. زن ستیزی ذاتی مرد نیست. زن ستیزی بخش مهمی از ایدئولوژی بورژوازی است که بر جامعه تحمیل می شود و در آن اشاعه می یابد. زن و مرد موضوع این

اقتصادی است، این فقط در مورد زنان کارگر و زحمتکش صدق می‌کند و در مورد مردان همین طبقه نیز صادق است. اگر منظور استثمار شدید تر است، این بر می‌گردد به تبعیض جنسی که موجب پایین تر بودن دستمزد و حقوق زنان نسبت به مردان است. نه تنها مساله دستمزد برابر در برابر کار برابر، بلکه این واقعیت که کارهایی که بعنوان کار "زنانه" شناخته می‌شوند حقوق شان پایین تر است. بطور مثال کار پرستاری علیرغم لزوم ضرورت تحصیلات عالی، شدت کار، کار شیفتی و حساسیت کار، چون بعنوان کار زنانه معروف است از کارهای مشابهی که کار مردانه نام گرفته است، حقوقش پایین تر است. بطور نمونه در جامعه انگلستان یک لوله کش یا برقکار درآمد بالاتری از یک پرستار دارد. البته شرایط برای زنان در این کشورها بسیار بهتر از زنان در کشورهایی مانند ایران، خاورمیانه، آفریقا و حتی چین است. زیرا قانوناً یک حقی تثبیت شده و امکان مبارزه برای اعمال و اجرای آن ساده تر است.

تا آنجا که به خشونت علیه زن در خانواده مربوط می‌شود. مفصل در پاسخ به سوال بالا به این مقوله پرداخته شد. شما از موقعی که به دنیا می‌آیید و چشم باز می‌کنید دور و بر خود شاهد خشونت هستید. حتی اگر در یک خانواده معین خشونت نباشد، در کوچه و خیابان و مدرسه آنرا مشاهده می‌کنید. خشونت دولتی و پلیسی، خشونت در سیستم آموزش و پرورش، خشونت بچه‌های قلدر در مدرسه به بچه‌های دیگر، خشونت در اخبار دنیا و جنگ‌های متعددی که در جریان است و قس علیهذا. این خشونت روی همه انسانها تأثیر می‌گذارد. برخی بدلالی، که اینجا فرصت وارد شدن به آن نیست، موفق می‌شوند که با آن کنار بیایند، یعنی درک کنند و خود از اعمال خشونت میری بمانند، بسیاری دیگر خشونت را درونی می‌کنند و به درجات مختلف روش برخوردی و رفتارشان با محیط‌شان بر مبنای این خشونت درونی شده شکل می‌گیرد. و بنوعی بروز پیدا می‌کند. خشونت علیه زن در خانواده را باید این چنین توضیح داد و فهمید.

اما خشونت علیه زن فقط از طرف مرد نیست. اینجا به خشونت دولتی اشاره نمی‌کنم که بطور نمونه در ایران به شدیدترین شکلی اعمال می‌شود. خشونت در خانواده و جامعه از جانب زنان دیگر نیز به زنان اعمال می‌شود. این واقعیت عموماً ندیده گرفته می‌شود و زمانی که از خشونت علیه زن صحبت می‌کنند، فقط منظورشان خشونت مرد علیه زن است. من پیش از این هم در مورد صحبت کرده‌ام. بطور مثال در بسیاری از جوامع عقب مانده تر و سنتی تر مانند ایران، هند، پاکستان، بنگلادش، خاورمیانه و بسیاری از کشورهای آفریقا، نهاد مادر شوهر یک نهاد ترسناک و عامل ایذاء عروس شناخته می‌شود. مادر شوهر و خواهر شوهر موضوع فولکور و قصه‌های بسیار اند. رابطه عروس و مادر شوهر عمدتاً بر مبنای ترس و خصومت است. مساله کشتن عروس یا آتش زدن او بطور نمونه بخاطر جهیزیه یکی از شنیع‌ترین اشکال ستم و خشونت به زن است. نگاه عروس به باصطلاح "قوم شوهر"

صفحه ۵

## در باره خشونت علیه زن در جامعه و خانواده ...

صفا زندگی کنند، چنین اتفاقی نخواهد افتاد. ایدئولوگهایی که شغل شریفشان توجیه این نظام و مناسبات و ازلی ابدی جلوه دادن آنست، اعلام می‌کنند که خشونت، رقابت، دریدن گلوئی یکدیگر برای سود یک خصلت یا غریزه بشری است. اینها دروغ و فریبی بیش نیست. انسان محصول جامعه و مناسبات اجتماعی محیطش است. اگر خشونت یک اصل تخطی ناپذیر جامعه است، انسان نیز این خصلت را درونی می‌کند. اگر زور گویی و اجحاف یک اصل دیگر جامعه است، زور گویی و اجحاف نیز بعنوان بخشی از خصائص انسان بروز می‌کند. عبارت "ضعیف‌کشی" در فارسی این واقعیت را بیان می‌کند.

خشونت و زور و اجحافی که بخش وسیعی از جامعه بطور روزمره احساس می‌کنند، بعضاً بشکل خشونت و زور و اجحاف نسبت به باصطلاح ضعیف تر بیرونی می‌شود. این "ضعیف" می‌تواند مفهومی حقوقی، فیزیکی، مقام اجتماعی و میزان ثروت باشد. خشونت مرد علیه زن درون خانواده را می‌توان با این تبیین توضیح داد و درک کرد. زن ستیزی حاکم به زن موقعیتی پایین تر و زیردست می‌دهد، بطور متوسط قدرت فیزیکی و جنه زنان از مردان کمتر و کوچکتر است و این شرایط عینی و ذهنی خشونت علیه زن را بوجود می‌آورد. به نظر من خشونت که مرد علیه زن انجام می‌دهد چه در خانواده، چه در جامعه را باید در همین رابطه ضعیف‌کشی بر اساس مناسبات سرمایه دارانه دید.

**لیلا ارغوانی:** با وجود اینکه ما در جامعه سرمایه داری برابری حقوقی داریم پس چرا هنوز بهره‌کشی از زنان و خشونت علیه زنان به این گستردگی و شدت وجود دارد. خشونت در خانواده چگونه سرمایه داری و اساس سرمایه داری را تغذیه می‌کند؟

**انر ماجدی:** روشن است که منظور شما جوامعی است که در آن برابری حقوقی بر مبنای جنسیت به تصویب رسیده است؛ زیرا هم اکنون سرمایه داری بر تمام دنیا حاکم است و در بخش وسیعی از آن زنان هنوز از نظر حقوقی شهروند درجه دوم محسوب می‌شوند. در کشورهای غربی برابری حقوقی زن و مرد کم و بیش تصویب شده است. البته برابری حقوقی در عرصه اقتصاد هنوز در بخشی همین کشورها تصویب نشده است. بطور مثال در آمریکا. پیش از اینهم اشاره کردیم که اوباما، رئیس جمهور آمریکا، در سخنرانی سالیانه خود در کنگره اعلام کرد: دیگر وقت آن رسیده که زنان از دستمزد برابر در مقابل کار برابر برخوردار شوند.

بهره‌کشی از زنان مقوله‌ای نادقیق است. اگر منظور بهره‌کشی

**تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!**

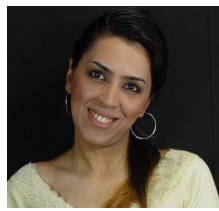
## در باره خشونت علیه زن در جامعه و خانواده ...

از روی ترس است.

دستاوردهایی دست یابد و در هر کجا که این دستاوردها متحقق شده، در موقعیت عمومی زنان تاثیر گذاشته است. یکی از اهداف بلافاصله ما نیز ایجاد همین شرایط است. بطور مثال در کشورهای غربی پناهگاه هایی برای زنان تحت خشونت ایجاد شده و قوانینی برای برخورد به مرد خشن تصویب شده است. کمک هایی از جانب دولت به این دسته از زنان ارائه می شود. منتهی باید گفت که این پاسخ نه کافیسست و نه نهایی. اولاً اصلاحات بدست آمده از نظر کمی و کیفی پاسخگوی تمام نیازها نبوده و ثانیاً این نوع اصلاحات با دوام نیستند. بمحض اینکه جنبش اجتماعی که برای کسب یک رفرم مبارزه می کرده، کمی فروکش کند، بر وجود و تداوم این دستاورد یا رفرم تاثیر می گذارد. بخشی از این رفرم ها به پول نیاز دارد؛ همراه با بحران اقتصادی یا با سر کار آمدن دولتهای راست این رفرم ها مورد تهاجم قرار می گیرند. و بالاخره این رفرم ها نمی توانند ریشه مساله را بخشکانند. بلکه مانند قرص مسکن عمل می کنند.

آن جنبشی که می خواهد به ریشه مساله دست ببرد؛ قصد دارد ستمکشی زن و خشونت علیه زن را کاملاً از بین ببرد، باید در عین حالیکه برای اصلاحات هر چند کوچک در وضعیت زنان در همین امروز مبارزه می کند، چشم به یک افق دورتر داشته باشد. ریشه ستمکشی زن و خشونت نظام سرمایه داری است. باید این نظام را واژگون کرد تا آزادی و برابری نه فقط حقوقی، بلکه واقعی و اجتماعی را بدست آورد. جنبش ما چنین جنبشی است.

\* این متن بر مبنای مصاحبه رادیو پرتو با آذر ماجدی تهیه شده است. مصاحبه توسط لیلا و شیدا ارغوانی انجام گرفته و متن آن از نوار پیاده شده است.



### آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

[www.azadizan.org](http://www.azadizan.org)

سردبیر: آذر ماجدی

[majedi.azar@gmail.com](mailto:majedi.azar@gmail.com)

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، سیاوش دانشور

خشونت علیه کودکان، بویژه کودکان دختر عمدتاً از طرف مادر انجام می شود. خشونت معلمان نسبت به دانش آموزان در مدارس یک نمونه دیگر است. در کشورهای غربی بیشتر معلم های دبستان زن هستند و در کشورهای سنتی تر که آموزش و پرورش تفکیک شده است، معلمان دخترها زن هستند. زن پدر یک نهاد ترسناک دیگر است. قصه های بیشماری در بچگی از ظلم و خشونت زن پدر به فرزندان شوهر شنیده ایم. در صفحه حوادث روزنامه ها نیز اخبار این چنینی کم نیست. و در اینجا وارد خشونت کارفرمای زن نسبت به کارکنان نمی شویم. در واقع هر چه جامعه مدرنتر و پیشرفته تر است، این خشونت ها کمتر بچشم می خورد. اما بعنوان یک پدیده، پدیده ای شناخته شده است. یک مساله دیگر که در جوامع مدرنتر غربی راحت تر درباره آن صحبت می کنند، خشونت زنان به مردان است. در برخی کشورهای غربی حتی پناهگاه برای مردان خشونت دیده درست شده است. یا تحقیقی میخوانم در مورد زوج های لژیون که در میان آنها نیز خشونت بهمان شکل و میزان خانواده های دگر گرا وجود دارد.

کتابهای یک روانشناس به اسم مگی میلر را مطالعه می کردم. تحقیقات جالب توجه ای دارد. طی چند دهه کار بعنوان روانشناس به این نتیجه رسیده است که تمام انسانهایی که خشونت می کنند حالا چه تجاوز می کنند چه آزار جنسی، چه کتک می زنند و حتی خشونت لفظی می کنند خود در بچگی مورد خشونت قرار گرفته اند. البته او بر این نکته نیز تاکید دارد که این بحث به این معنا نیست که هر کسی در بچگی مورد خشونت واقع شده بعداً که بزرگ شد خود نیز خشونت می کند، خیر. اما هر کس که خشونت اعمال می کند، خود مورد خشونت قرار گرفته است. بقول مثال فارسی: "هر گردویی گرد است ولی هر گردی گردو نیست." بنظر من این یک تحقیق و تاکید روانشناسانه است که بر تحلیل و تبیین مارکسیستی ما تائید می گذارد. و افسانه "ذاتی" بودن خشونت و زن ستیزی در مرد را کاملاً رد می کند.

لیلا ارغوانی: شما قبلاً به این اشاره کردید که جنبش زنان در عرصه هایی که فعال تر است موارد و مظاهر خشونت کمتر دیده می شود. جنبش زنان چطور می تواند از تولید نهادهای تازه برای اعمال خشونت علیه زنان جلوگیری کند چون یک سری از نهادها ممکن است قبلاً وجود نداشته یا در یک سری جوامع وجود دارد و در جوامع دیگر وجود ندارد؟

آذر ماجدی: روشن است که تلاش های جنبش حق زن توانسته به

**نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!**



## سهم زنان در دولت "اعتدال"

سرکوب، ازدواج با کودک، اسید پاشی

سیاوش دانشپور

کروبی و بازگشت جمهوری اسلامی به "ریل قانون اساسی" را بعهده گرفتند. فعالین خارج کشوری جنبش ملی اسلامی که دوره ای در داخل چماقدار بودند و بعدها به "دگر اندیش" و "ژورنالیست" و "دکتر - پاسدار" و "فیلسوف" منحول شدند، همینطور کسانی که یکدوره در خارج نقش "اتاق فکر" و "رهبری مخفی" برای جنبش سبز در داخل را داشتند، همه بنفش شدند و حتی شال و کلاه کردند که به ایران برگردند.

در داخل زنان "فمینیست اسلامی"، که آبروی هرچه فمینیست و مصلح اجتماعی را برده اند، توقعات شان را از حاج آقا روحانی برای دخالت در امور "نظام عزیز اسلامی" در "سطوح مدیریتی" تحت عنوان "جنبش مطالباتی" بیان کردند. بحث "جنبش مطالباتی" تاکتیک قدیمی مبارزه در چهارچوب قانون در قالبی جدید بود. قرار بود زنان دیگر تظاهرات و اعتراض نکنند، بلکه حرفشان را عریضه کنند، دست کسانی بدهند که در حکومت پارتی دارند و آخوند روحانی سر وقت به آنها رسیدگی کند! از هر سو جار و جنجالی بپا کردند که "ایران دارد گلستان میشود و بار دیگر این افراطیون ضد حکومت و "تمامیت خواه" و تحریمی شکست خورده اند. بالاخره یک حاج خانم معاون شد و دو حاج خانم دیگر جانی دست شان بند شد. عجب تحول بزرگی! در کنار خیل آخوندها و برادران پاسدار دو سه خانم حزب الهی با چادر چارچوق دوبله به ارتش ضد زن پیوستند! واقعا چرا نباید از این همه پیشرفت شاد و شکرگزار باشیم؟

روزهای تنفس مضحکه انتخابات که کمتر به زنان گیر میدهند سپری شد. خر آقایان از پل گذشت و بلافاصله تهاجم به زنان بیش از هر دوره آغاز شد. عملیتهای مرحله ای و بشدت خشن برای "زدودن چهره شهر تهران و شهرهای بزرگ از بدحجابان" آغاز شد. از دیوار صدا درآمد اما جیکی از این خانمهای فمینیست اسلامی که تازه دست شان به قدرت و بچاپ بچاپ بند شده بود، درنیامد.

### ازدواج با کودکان

سیاست صبر و انتظار که "باید به حاج آقا روحانی فرصت بدهیم"، "انتظارات را حداقل کنیم"، "موانع را بشناسیم" و غیره، به خط ثابت از تریبون بی بی سی تا زندانیان طرفدار آخوند روحانی در زندان اوین تبدیل شد. بالاخره تحفه های جدید از راه رسید و درخت "اعتدال" شکوفه داد: مجلس رژیم اسلامی ازدواج با دختر خوانده را قانونی کرد. این قانون از نظر

میگویند یادآوری حقایق تلخ است و یا تکرار مکررات است. اما عده ای فراموش میکنند که ارتجاع سیاسی و بمباران تبلیغاتی رسانه ها روی فراموشی مردم حساب میکنند، روی عادت به روزمرگی مردم سرمایه گذاری میکنند. لذا یادآوری برخی نکات اساسی در آستانه روز جهانی زن برای تقابل با توهم پراکنی جنبش ملی اسلامی ضروری است. جنبشی که تلاش میکند به ما بگوید که "کل آزادی ممکن نیست، پس باید گام به گام جلو رفت و بین بد و بدتر انتخاب کرد".

در روز جهانی امسال با توجه به کارنامه دولت تزویر و اسید و رویدادهای منطقه از جمله در کوبانی و تصویب قانون برابر ی زن در کانتون جزیره، باید گام محکمی بجلو برداشت.

### نگاهی به گذشته، یک فلاش بک

نیروهای جنبش ملی - اسلامی که با شکست پروژه جنبش سبز در دبیرسیون سیاسی بسر میبردند و تلاشهای خارج کشوری شان با اتکا به رسانه ها و جایزه گرفتن ها و انواع نهادهای سرهم بندی شده بجائی نرسیده بود، ناگهان در آستانه از صندوق درآوردن آخوند روحانی مجددا فیل شان یاد هندوستان کرد. سبزه ها در چشم به هم زدنی بنفش شدند. ناگهان دسته جمعی به تریبون محکوم کردن "افراط و تفریط" تبدیل شدند. اینبار قرار بود وظیفه دفاع از نظام اسلامی را با چرخش به سمت خط رفسنجانی پیش ببرند. همان رفسنجانی که توسط گنجی و دیگر فالانژهای اصلاح طلب دوره خاتمی مورد تهاجم بود. صحنه عوض شد، رنگ پرچم ها و شعارها تغییر کرد و انتقاد از خود و غلط کردم ها آغاز شد. تا آنجا پیش رفتند که زندانیانشان، همانها که تا دیروز اعتصاب غذا میکردند و از رفتارهایی که "وجاهت قانونی ندارد" شکایت داشتند، از سنگر زندان اوین به کمپینر و مبلغ شرکت در مضحکه انتخابات تبدیل شدند. این پدیده فقط در ایران قابل مشاهده است. تصور کنید در زندان حکومتی باشید و از درون زندان برای پیروزی یک جناح حکومت به مردم فراخوان رای دادن به زندانبانان خودتان بدهید! خیلی عجیب و سوررئالیستی است، اما واقعیت دارد.

بله، از درون زندان فعالین احزاب اسلامی که توسط حکومت "غیر خودی" و "منحله" اعلام شده بود، در دفاع از حکومت و برای تحقق "حماسه سیاسی" خامنه ای دست بکار شدند! بی بی سی و صدای آمریکا و دیگران هم دایره و دنیک دست گرفتند و وظیفه نورپردازی و ایجاد امید برای رفع حصر موسوی و

میشناسند.

### چاقوکشی

بعد از اسید پاشی چاقو کشی به زنان توسط حزب الله راه افتاد. ابتدا گله موتورسواران حزب الله علیه "بدحجابان" را راه انداختند. کمی بعد به چاقو زدن به زنان روی آوردند. در یک دو روز تعدادی زن در شهرهای ایران مورد حمله چاقوکشانی قرار گرفتند که بزعم آنان حجابشان مناسب نبوده است. این داستان هم مثل تف سربالا روی سر و صورت حکومت ریخت. دولت روحانی هم حریف زنان نشد. داستان حجاب و تقابل با زنان ادامه دارد.

جنبش ملی اسلامی فعلا در انتظار موفقیت روحانی در مذاکرات هسته ای است و به حکومت مشورت "منافع ملی" و خانوادگی میدهد. چرا که این موفقیت میتواند به آنها فرصتی بدهد که در مضحکه انتخابات مجلس امیدی داشته باشند. هنوز تلاش میکنند بین اسلام و حقوق زن پلی بزنند و از این مجرا سیاست دفاع از ارتجاع ضد زن را ادامه دهند. این جماعت، تا به زنان مربوط میشود، همان حکومتی ها هستند اما در هیئت مکتلا و اپوزیسیون طرفدار رژیم اسلامی. اما باید امروز بر همه روشن شده باشد که اسلام با تحقق هر ذره از حقوق زن در تناقض بنیادی قرار دارد. اسلام مردسالاری ریشه دار در جوامع طبقاتی را با تحجر مذهبی درهم آمیخته و به معجونی خطرناک تبدیل کرده است. اسلام بدون تحمیل حجاب بعنوان بیرق آپارتاید جنسی قابل تعریف نیست. ضدیت با زن و حقوق زن و هویت اجتماعی زن یک رکن اساسی ایدئولوژی اسلامی است.

اسلام "فاندمنتالیست" و "لیبرال" و "میانه رو" و "معتدل" و غیره، چرندیاتی است که تنها در چهارچوب فکری و سیاسی خانواده جنبش ملی اسلامی قابل تدوین است. خود اسلام اعم از طالبانی و اردوغانی و سلفی و داعشی و جمهوری اسلامی، در ضدیت با زن و اعمال بردگی به زنان متفق القول اند. اشتراکات فرقه های متعدد اسلامی در ضدیت با حقوق و آزادی زن بسیار گسترده است و اختلافاتشان میکروسکوپی است.

### حماسه کوبانی و قانون جزیره

در میان توحش اسلام از جمهوری اسلامی تا داعش و بوکوحرام و طالبان و اسلاف آنها، در شرایطی که سرمایه داری دنیا را به عهد عتیق باز میگرداند، صدائی از کوبانی بلند شد که دنیا را تکان داد. حماسه مقاومت توده ای کوبانی که زن در آن نقشی برجسته داشت، مانند پتکی بر سر خانمهای ملی اسلامی و طرفداران "آزادیهای یواشکی" و مبلغان مسالمت با جمهوری اسلامی فرود آمد. تصویب سند قانون برابری زنان در جزیره که یک محصول این مقاومت توده ای است و صرفا شکل و بیان حقوقی واقعی است که در میدانهای جنگ عملی و پراتیک شده است، دورنمای مقابله با ارتجاع اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا را روشن کرد. اهمیت مقاومت توده ای کوبانی و قانون کانتون جزیره در این

صفحه ۸

## سهم زنان در دولت "اعتدال"

سرکوب، ازدواج با کودک، اسید پاشی ...

عملی جدید نبود. کودک آزاری و تجاوز به کودکان با تاریخ دین مبین اسلام عجین است و در جمهوری اسلامی نیز همواره وجود داشته است. آنچه که جدید بود قانونیت دادن به این توحش قرن بیست و یکمی در مجلس ارتجاع اسلامی بود. قانونی که به هر حاج آقائی امکان میداد که بخاطر "رضایت خدا" از خیل میلیونی کودکان بی سرپرست چند نفری را به فرزند خواندگی قبول کند و سر موقع به آنها شرعا و قانونا تجاوز کند. کمی غرولند و شرط گذاشتن اینجا و آنجا شنیده شد اما صدائی از خانمهای فمینیست اسلامی و تازه بدوران رسیده علیه این پدوفیلیسم اسلامی در نیامد.

### صدای زن "شر" است!

بارهم از تاریخخانه اسلام و دولت "اعتدال" صدائی دیگر بلند شد: تک خوانی زنان "کفر" است، "شر" است، "شرعی" نیست، "گناه کبیره" است، "مفسده" است! کسی که از دور این صحنه را نگاه میکند متحیر میشود که چه خبر است؟ نکند خوانندگان پاپ و ستاره های هالیوود به ایران رفته اند و کنسرت اجرا میکنند که با واکنش ارتش مسلمین روبرو شده است! خیر، اگر در مجلسی خانمی محجبه دو شعر اسلامی را بصورت آواز بخواند و مستمعین مردان باشند، بیضه اسلام به خطر افتاده است! آغاز فساد است! تهاجم فرهنگی است! اینها مشتکی از خروار است. مزاحمت برای مردم و بویژه زنان در خیابانها و مجالس بیوقفه در جریان است. و البته، مانند همیشه، رسانه ها و جریانهای طرفدار آخوند و اسلام و امیدوار به نتایج دیپلماسی اتمی، مطلقا وقت خودشان را برای این مسائل "تلف" نمیکند!

### اسید پاشی

بی حجابی و گردن نگذاشتن زنان به قوانین اسلامی موجب دور جدیدی از تهدید علیه زنان شد. از مجلس و دولت و تربیون نماز جمعه، هر مرتجعی علیه زنان شاخ و شانه کشید. آلبوم زنان ساپورت پوش تهیه شد و در مجلس غوغائی بپا کرد. کتک خوردن آخوندها و اوپاش نهی از منکر در خیابانها توسط زنان شیپور خطر را بصدا در آورد. بالاخره بطور علنی و وقیحانه فتوا توسط خفاشان اسلامی از تربیون نماز جمعه علیه زنان صادر شد. نتیجه آن شد که دیدیم، موجی از اسید پاشی به زنان و کودکان. حکومت "اعتدال" تخم دو زرده کرد و به "حکومت اسیدپاش" معروف شد. تظاهرات قدرتمند زنان در اصفهان با شعارهای ضد حکومتی این تاکتیک جدید سرکوب را توی صورت اسلاميون ضد زن کوبید. این سیاست هم نگرفت. البته هنوز اسیدپاشان راست راست راه میروند. هنوز نظامی که مدعی نابودی اسرائیل و آمریکا است و در هر گوشه زندگی مردم سرک میکشد، نتوانسته اسیدپاشان را پیدا کند! خانمی در اصفهان در تظاهرات خیلی روشن گفت: "کثافتها هم اسید میپاشند و هم میزنند!" مردم عاملین و آمرین را خوب

دست مذهب از سر مردم کوتاه!

که مشغول تهیه آش نذری در هشت مارس اند، کسانی که بین اسلام و حقوق زن تناقضی نمی بینند، کسانی که می‌خواهند در کنار برادران مذکرشان قوانین ضد زن اسلامی را پیاده کنند، کسانی که در غم "اجرای بندهای معطل مانده قانون اساسی جمهوری اسلامی" می‌سوزند، نمایندگان و رهروان مکتب سیاسی لیبرالیسم در ایرانند! بیچاره لیبرالها که از موضع نیاز بازار و سرمایه عمری برای حقوق برابر و حتی جهانشمول زنان مبارزه کردند. هرچند که همین امر زیر فشار جنبش سوسیالیستی و کارگری بود. و امروز کل این تاریخ و نقطه نظرات توسط عده ای که خود را چپ و کمونیست هم مینامند به اسلامیها هدیه میشود تا مثلاً بعنوان "سوسیالیست" و دفاع از حقوق زنان کارگر، تمایز خودشان را با "لیبرالها" ترسیم کرده باشند! این تفهیم کل صورت مسئله و متأثر از یک نگرش دو خردادی به سیاست در ایران است.

### آزادی زن و سوسیالیسم

آزادی زن در ایران امری بدواً سیاسی است. سیاسی به این معنا که بدون درهم کوبیدن قوانین اسلامی و نفی رادیکال آن، بدون سرنگونی جمهوری اسلامی، بدون لغو آپارتاید جنسی و حجاب بعنوان پرچم آن، بدون کوتاه کردن دست مذهب از جامعه، آزادی زن ممکن نیست. این تازه گام اول آزادی و رهایی زن است. تقابل ریشه ای با اسلام سیاسی و مشخصاً حاکمیت آپارتاید جنسی در ایران، رابطه مستقیمی با افق سوسیالیستی آزادی جامعه دارد. زنان بعنوان زنان نه راساً قرار است انقلاب رهایی بخش اجتماعی سازمان دهند و نه بعنوان یک جنبش قرار است نیروی ذخیره این و آن نیروی سیاسی شوند. جنبش آزادی زن جنبشی قائم بذات است که پیشروی اش تابعی از حضور عینی سوسیالیسم بعنوان یک آلترناتیو اجتماعی است. سوسیالیسم هم امری جدولی و کتابی نیست، جنبشی واقعی و سیاسی است. در ایران امروز و با وجود حاکمیت یک آپارتاید اسلامی که هویت اجتماعی زن در جامعه را برسمیت نمی شناسد، ما با پدیده ای از جنس نژادپرستی و نفی حقوق مدنی و اجتماعی نیمی از انسانها در جامعه روبرو هستیم. برای سوسیالیسمی که امر آزادی جامعه را دنبال میکند و خود را اسیر کلیشه ها و شعارها و تقسیم بندهای اختیاری و دو خردادی نکرده است، آزادی زن یک رکن استراتژی سوسیالیستی است و امر سوسیالیسم و کمونیسم در این جوامع بدواً به اعاده حقوق برابر انسانها گره میخورد.

### زنان و تحولات سیاسی آتی

در ایران بنا به سابقه یک کشمکش سی و پنج ساله زنان با حکومت اسلامی، هر تحول انقلابی و هر اعتراض توده ای و خیزش اجتماعی، قویا مهر زنان را بر خود دارد. فاکتور اجتماعی زنان در ایران غیر قابل انکار و غیر قابل دور زدن است. منشا توحش بیوقفه و سیستماتیک جمهوری اسلامی علیه زنان تنها و صرفاً ضدیت اسلام با زنان نیست. این یک وجه اساسی مسئله است. وجه مهم دیگر اینست که زنان و تحرک سیاسی روزمره آنان به یک بارومتر سیاسی در جامعه ایران تبدیل شده است. هر زمان جمهوری اسلامی

## سهم زنان در دولت "اعتدال"

سرکوب، ازدواج با کودک، اسید پاشی ...

نیست که گویا تاکنون تاریخ مقاومتی این چنین بخود ندیده و یا حتی در همان منطقه خاورمیانه قوانین مشابه و پیشرفته تر توسط کمونیستها طرح نشده است. نه، مسئله اینست که در چهارچوب تاریخی و صفیندی نیروها در منطقه و جهان و در متن یک فضای مملو از ناامیدی و تسلیم و توحش میلیتاریستی، نیروئی قد علم میکند که رکن اساسی آن زنان هستند، علیه تروریسم اسلامی و قوانین اسلامی و جنبش اسلامی فاطعانه می ایستند و سیلی محکمی بر صورت کل منادیان این جنبش و مدافعان رنگارنگش نواخت. در روز جهانی زن امسال، مقاومت توده ای کوبانی و نقش زنان و قانون جزیره و الهام از این روش و سیاست برای تقابل با اسلام سیاسی باید مد نظر و نقطه شروع هر بحث جدی در باره آزادی زن در منطقه از زیر یوغ اسلام سیاسی و ارتجاع سرمایه داری باشد.

### چپ و مسئله زن

انصافاً این چپ بوده است که تاریخاً از حقوق زن دفاع کرده است. علیرغم هر محدودیت و عقبماندگی فکری و هر نقدی که به چپ وارد باشد، کارنامه چپ در دفاع از حقوق زن در مقابل کارنامه راست قابل دفاع است. اما متأسفانه بسیاری از چپ ها و فمینیست های ایرانی راجع به مسئله زن کارشان بازی با الفاظ شده است. بعضاً بجای طرح و تبیین سیاست واقعی به کلیشه پردازی و رونویسی از روی فرمولبندی رسانه های حکومتی روی آورده اند. این دوستان متوجه نیستند که اگر سیاست اسلامیزه کردن جامعه و تحمیل قوانین اسلامی در ترکیه عملی نیست از سر "لیبرالیسم" اردوغان نیست، بلکه محصول مقاومت جنبش سکولاریستی در ترکیه است. اگر در مصر و تونس قوانین شریعه نمیگیرد و جنبش اسلامی بناچار عقب نشینی میکند، از "دمکرات" منشی اخوان المسلمین و النهضه نیست، از هجوم سکولاریستی زنان و مردان آزادیخواهی است که تن به این خفت اسلامی نمیدهند. اگر در ایران جمهوری اسلامی و خیل آخوندهای فسیلی نمیتوانند قوانین نوع طالبان و عربستان و داعش را به زنان تحمیل کنند، نه از سر "آزاد منشی و تفاوتهای ایدئولوژیک" آنان بلکه بدلیل وجود جنبشی وسیع برای آزادی زن است که کل حکومت را زمینگیر کرده است. زنان در ایران اگر در قلمرو قوانین شهروند درجه سوم هم بحساب نمی آیند، اما در نگاه بخود و در زندگی فردی و اجتماعی و امور خصوصی صدها برابر خود را بالاتر میدانند و با این توقع به تاجر اسلامی حاکم تن نمیدهند.

کسانی که این واقعیت را نمی بینند بناچار در زمین اسلامیها بازی میکنند. حتی خانههایی که ادعای چپ و سوسیالیسم هم دارند ناگهان کشف میکنند که گراشی از زنان اسلام و آخوند زده، "لیبرال" اند و به تقسیم بندیهای دلخواهی و اختیاری دست میزنند. گویا کسانی



## سهم زنان در دولت "اعتدال"

سرکوب، ازدواج با کودک، اسید پاشی ...

احساس خطر میکند به زنان حمله میکند. جنبش آزادی زن نمیتواند با اسلام سیاسی و اسلام بطور کلی در نیافتد و خود را به تکرار کسالت آور "لیبرال" خواندن اسلاميون مرتجع سرگرم کند.

جنبش آزادی زن نه بطور عام در هر کشوری، و نه حتی در هر کشور منطقه خاورمیانه، بلکه بطور مشخص در ایران، یک خصلت عمیقاً ضد اسلامی دارد. این واقعیتی ابژکتیو است که از تئوری و باور سیاسی کسی در نیامده است. این واقعیت از ضدیت عینی و روزمره اسلام با حق و آزادی زن نشأت میگیرد. واقعیتی که اگر دیده نشود، اگر روی آن بعنوان یک فاکتور اجتماعی و سیاسی تعیین کننده حساب نشود، و برای آن تعیین سیاست نشود، آنوقت جنبش آزادی زن از روی آه و ناله های ضد لیبرالی و شبه اسلامی این و آن رد خواهد شد. چرا که این آه و ناله های ضد لیبرالی چیزی جز آوانس دادن به اسلام سیاسی و حاشیه ای کردن آگاهانه تقابل با اسلام در جامعه ایران نیست. در ایران، اسلام و آزادی زن غیر قابل جمع اند!

۱ مارچ ۲۰۱۵

## تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران

از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۱۱۱۳۷

KMTV

از سایت جدید

سازمان آزادی زن دیدن کنید!

[www.azadizan.org](http://www.azadizan.org)

## مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

از یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

زنده باد روز جهانی زن!

علیه بشریت محاکمه شوند: موسوی، کروی، خاتمی، روحانی، گنجی، سازگارا و بقیه دار و دسته ارازل و اوباش.

صدای جنبش آزادی زن ایران آنچنان قوی است که آوازه اش در تمام دنیا پیچیده و احترام و حمایت بشریت آزادیخواه و برابری طلب را جلب کرده است. جنبش آزادی زن نیاز به چنین حامیانی ندارد. این بیانیه و جایزه می کوشد از جنبش آزادی زن در ایران تصویری تو سری خور، مظلوم و بی دست و پا بدست دهد که به "پیشتازانی" چون خانم علی نژاد نیاز دارد تا با "آزادی های یواشکی" سر خود را گرم کند. جنبش آزادی زن صدها قدم از آزادی های یواشکی جلوتر است. آزادی های یواشکی نه برای "دادن صدا به بی صدایان" بلکه برای کوتاه کردن صدای فریاد جنبش آزادی زن است.

هیات حاکمه غرب دست بر نمی دارد، هر سال یک جایزه علم می کند تا به اصلاح طلبان حکومتی ایران بدهد؛ جایزه نوبل به خانم عبادی بعنوان فعال حقوق زن در "دنیای اسلام"، جایزه ای که این خانم در کمال خضوع به خاتمی تقدیم کرد؛ به گنجی پاسدار دیروز که پونز به پیشانی زنان می کوبید و امروز "فیلسوف" شده است؛ و حال به خانم علی نژاد از ستایش گران و حواریون خاتمی. این کنشگران ملی - اسلامی هدفشان حفظ رژیم اسلامی است؛ بارها گفته ایم که اینها ستون پنجم رژیم در جنبش آزادی زن هستند. غرب دست از "رهبر" و "قهرمان" ساختن برای مردم ایران بر نمی دارد. سی و شش سال پیش خمینی و اسلاميون را به "رهبر انقلاب" مردم بدل کرد؛ حالا دارد برای تعدیل رژیم از جناح اصلاح طلب حکومتی قهرمان و رهبر دست و پا می کند. با سرنگونی رژیم اسلامی تاریخ مصرف جنبش ملی - اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی نیز به پایان خواهد رسید.\*

## هر سال یک جایزه به حواریون رژیم اسلامی!

آذر ماجدی

سه شنبه ۲۴ فوریه "نشست ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی" به مسیح علی نژاد، کنشگر ملی - اسلامی، جایزه حقوق زنان ۲۰۱۵ را اعطاء کرد. این نشست شامل ۲۲ ان جی او است و در بیانیه مربوطه چنین آمده است: "برای دادن صدا به بی صداها و بیدار کردن وجدان بشریت تا از مبارزه زنان ایران برای حقوق پایه ای، آزادی و برابری حمایت کنند".

خانم علی نژاد چگونه وجدان بشریت را بیدار کرده است و چگونه به زنان ظاهرا بی صدای ایران "صدا داده است"؟ با راه انداختن صفحه فیس بوکی "آزادی های یواشکی". ما پیش از این در مورد نقش ان جی او ها نوشته ایم؛ اینها سازمان هایی هستند که با طبقه حاکم در غرب بده بستان دارند. پول می گیرند و پروژه هایی که باب طبع آنهاست را در دستور می گذارند. بیخود نیست که ده ها سازمان حقوق بشر ایرانی در خارج کشور راه افتاده است. دادن جایزه به خانم علی نژاد بخشی از دیپلماسی غرب با رژیم اسلامی و حمایت از باصطلاح "اصلاح طلبان" است. اصلاح طلبانی که در اولین فرصتی که این رژیم را به زیر بکشیم همگی باید بجرم جنایت

**یک زن هنرمند افغان بنام کبری خادمی بعنوان اعتراض به اذیت و آزار جنسی در خیابان یک زره پوشیده است. طبق گزارش یک زن دیگر، مردان دورش جمع شده اند و به آزارش مبادرت کرده اند. کبری بناچار سرعت با یک موتور از محل دور میشود.**



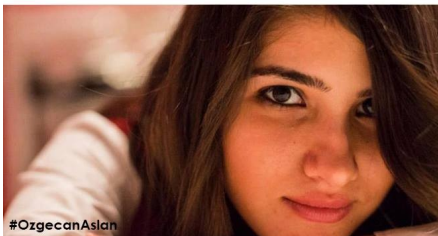
**۸ مارس روز بشریت آزادیخواه است!**

زیر پرچم بزرگ کشورشان جمع شده و خطاب به زنان قربانی فریاد زدند "ما شرمنده ایم".

آنها بارها تکرار کردند که به خاطر زندگی از دست رفته این زنان شرمنده اند. هرچند خود در این ماجرا تقصیری نداشتند. اما به عاملان قتل و جنایت درس بزرگی دادند که بابت زندگی هایی که نابود کرده اند "شرمنده باشند" پیش خلق و وجدان خود.

امروز فریاد خاموش زنان قربانی از گلوی مردم برخاست. امروز صورت غمگین اوزگه جان که این روزها با مرگ غم انگیزش مردم را در حزن و اندوه فرو برده رساترین فریاد بود. باشد که همه جا صدای مظلومیت زن شنیده شود.

**TURKEY: GROWING PUBLIC OUTRAGE AFTER RAPE AND MURDER OF UNIVERSITY STUDENT**



#OzgecanAslan

## اتفاقی زیبا در ترکیه

گرامیداشت اوزگه جان اصلان

نرگس رضائی

نرگس رضایی، روزنامه‌نگار ایرانی ساکن ترکیه روز یکشنبه سوم اسفند در صفحه خود در فیس بوک نوشت: امروز در ترکیه اتفاق بزرگی افتاد. اتفاقی به مراتب زیباتر از حرکت تیم فوتیبال گالاتاسارای در فاجعه معدن سوما.

امروز در ورزشگاهی در ترکیه عکس زنان قربانی خشونت مردان و در راس آنها عکس "اوزگه جان اصلان" روی صندلی‌ها نصب شدند تا به یاد آورند زندگی‌های زیبایی که به خاطر خشونت مردانه از بین رفت. امروز عکس‌ها روی صندلی‌های ورزشگاه فریاد خاموش زنان بود. اما نقطه اوج درام زمانی بود که تماشاگران و بازیکنان قبل از آغاز بازی



خشونت علیه زنان موقوف!

## دعوت به گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن

سازمان آزادی زن و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بمناسبت ۸ مارس، مراسمی در روز شنبه ۷ مارس ساعت ۶ بعدازظهر در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار می کنند. در این مراسم، روز جهانی زن و سمبل آزادیخواهی و برابری طلبی را گرامی خواهیم داشت. به موقعیت جنبش آزادی زن در ایران و منطقه و به راههای متفاوتی که توسط جنبش حق زن برای کسب آزادی انتخاب شده نگاه خواهیم انداخت. بویژه دو نمونه اخیر در سوریه، جنبش حق زن و جنبش انقلابی کوبانی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

از تمام آزادیخواهان و برابری طلبان و فعالین جنبش آزادی زن دعوت می کنیم تا با شرکت در این مراسم این روز را با ما گرامی بدارند و با ارائه نظر بحث را غنا بخشند.

پس از سخنرانی و بحث با صرف چای و قهوه و شیرینی مراسم را ادامه می دهیم.

**سخنران: آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن و عضو دفتر سیاسی**

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

**تاریخ: شنبه ۷ مارس ۲۰۱۵ زمان: ساعت ۱۸**

**محل: سالن اجتماعات هاگابو**

**Viktoriahuset samlingsal**  
**Pirinssgatan** با اسپورهای ۱ و ۶، ایستگاه



**به سازمان آزادی زن پیوندید!**